

شماره بعدی
۱۴ فروردین ۱۴۰۱



یا صاحب الزمان

یا صاحب الزمان



دنیای هوادار «نیمه شعبان» میلاد یگانه منجی عالم بشریت
مهدی زهرا (عج) و روز سربازان گمنام امام زمان را گرامی می دارد

این حس و حال خوب؛
من، «هوادار» تو
خواهم ماند...

صفحه ۱۰

با هر مشقتی که بود، تمام شد؛
ولی «ما»
هنوز زنده ایم...

صفحه ۵

چهل گره در کار مدیران!
کارآمدی
یا ناکارآمدی؟

صفحه ۳

روزنامه

دنیای هوادار

شماره ۹۸۲

پنج شنبه

۲۶ اسفند ۱۴۰۰

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

اندر حکایت «عرضه و تقاضا» در فوتبال انحصاری ایران

دری پایتخت و بلیت‌های ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومانی؛

صفحه ۸



خاطری را سبب تسکین است
خرم آنکس که در این محنت گاه

۲۵ اسفند، روز بزرگداشت پروین اعصامی کرامی باد

یادداشت

چهل‌گره در کار مدیران!

کارآمدی یا ناکارآمدی؟



این مقاله با چند سؤال کلیدی آغاز می‌شود. چه معیارهایی برای سنجش کارآمدی یا ناکارآمدی مدیران در حوزه پذیرش مسئولیت‌های شغلی در بخش‌های مختلف دولتی یا وابسته به دولت مدنظر نهاد بازرسی قرار دارد؟ اساساً چه تعاریفی برای تمیز مدیران کارآمد از مدیران ناکارآمد وجود دارد؟ برای چه کسی از اتلاق کارآمد و برای چه افرادی با چه مشخصاتی از واژه ناکارآمد استفاده می‌شود؟ آیا اساساً معیاری برای سنجش وجود دارد یا اساساً سنجشی انجام می‌شود؟ آیا بانک اطلاعاتی مشخصی برای دسته‌بندی اطلاعات مدیران، تخصص، حرفه، میزان اطلاعات، رشته و توانایی‌های فردی و اجتماعی ایشان در انجام امور محوله وجود دارد؟

در این مجال تلاش می‌کنم به موضوعی وارد شوم که کمتر مورد توجه ساختار اداری و نظارتی کشور در تعیین شاخص‌های کارآمدی یا ناکارآمدی برای بررسی، تشخیص، تعیین و انتصاب یا عزل مدیران قرار می‌گیرد؛ یا بهتر است بگویم اساساً با بی‌توجهی کامل به کنج اهمیت حواشی بر متن خزیده و سالهاست از دیده‌ها پنهان شده است. به منظور قوام هرچه بهتر بحث قسمت مشخصی از ساختار اداری و دیوانی موجود در بسیاری از دستگاه‌های دولتی یا سازمان خصوصی وابسته به دولت را انتخاب و بنا به هدف این نوشتار مورد مذاقه و بررسی قرار می‌دهیم.

سالانه مبالغ هنگفتی از منابع مالی کشور صرف اختصاص و تامین بودجه مورد نیاز برای اجرای طرح‌های اقتصادی، فرهنگی و اجرایی کشور می‌شود. بسیاری از این قبیل مبالغ بعد از طی مراحل و فرایندهای گوناگون و گاه‌ها زمان بر از دل کاغذها، امضاها و حافظه رایانه‌ها بیرون می‌آیند تا به صورت ریال، دلار، یورو یا نفت در برابر این و آن، صرف اجرا و انجام کارها شوند.

هر آینه با ساختاری کاملاً شکلی بر پایه محاسبات عددی و علم ریاضی در حد تشخیص کوچکتر از بزرگتر در مناقصه و بزرگتر از کوچکتر در مزایده، به همراه برخی تعاریف ساده برای رده‌بندی معاملات، موصوف به تفاوت در نحوه یا اجرای تشریفات مقرر قانونی، مواجه هستیم. در عرف اداری کشور مدیری کارآمد شناخته می‌شود که برای صرف بودجه‌های تخصیص یافته شکل کارها را رعایت کرده باشد، نه صحتی از کیفیت وجود دارد نه تاملی در مفهوم فایده و سود!

یک‌مثال عینی؛ در یکی از دستگاه‌های دولتی امکانی برای سرمایه‌گذاری و ساخت پروژه‌های ساختمانی وجود دارد. این نهاد مالک یک‌قطعه زمین به مساحت ۲۰۰۰ متر مربع

در بافت مرغوب شهر یزد است. مدیر مربوطه مصمم است با تامین منابع مالی و انتخاب پیمانکار به کارزار ساخت یک مجتمع تجاری با چند باب مغازه و اندکی فضای مشاعی وارد تا سازمان وی از محل سود اجاره یا فروش مغازه‌ها منفعت کسب نماید. در معادله میان کوچکتر و بزرگتر پیمانکار انتخاب و عملیات ساختمانی آغاز می‌شود. ساختار اداری پیچ در پیچ در سامانه مالی این نهاد دولتی به بروز اختلال در پرداخت تمام صورت وضعیت‌های موقت پیمانکار منتهی می‌گردد. این پروژه ناظر دارد و علی‌القاعده کارها به لحاظ کمی و کیفی در مقابل چشم وی انجام شده اما در عرفی نابخردانه یکی از روش‌های اثبات حضور و اعلام وجود ناظر به اصطلاحی تحت عنوان قرمز کردن صورت وضعیت مرتبط می‌شود. ناظر خود را مکلف و مقید می‌داند تا به هر قیمتی چند آیتم را کم یا حذف کند و این یعنی وی حضور داشته، وجود داشته و کار تحت نظارت وی به انجام رسیده است. به زعم نگارنده که خود دستی بر

آتش پروژه‌های عمرانی دارد؛ اگر ناظر به‌صورت همزمان از سه نعمت تعهد، تخصص و سلامت برخوردار و بر این اساس بر کار پیمانکار نظارت کرده باشد چه دلیلی دارد برای اثبات حضور یا وجود به قرمز کردن صورت وضعیت روی آورده تا اینکه به گونه‌ای عمل نماید که پیمانکار

خود را مکلف و موظف به ارائه مقادیر واقعی در صورت وضعیت فرض نماید؟ مجموعه این عوامل دست به دست هم می‌دهد تا عملیات اجرایی به درازا کشیده و به تعویق در تحویل پروژه دچار شویم.

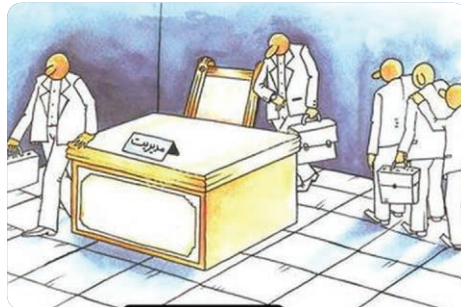
فارغ از موضوع با اهمیت تحمیل هزینه‌های مازاد ناشی از تعدیل و تورم در متن تاخیر حادثه در تحویل پروژه‌ها، طولانی شدن فرایند ساخت، اجرا، پایان و تحویل ارمغانی جز تاخیر در بهره‌برداری از پروژه‌ها به بار نمی‌آورد. در هیچ‌یک از تحلیل‌های آماری یا در مقوله کنترل‌ها و بازرسی‌های رایج ضرر وارده ناشی از تاخیر در بهره‌برداری مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد. یعنی هرگز مشخص نمی‌شود ضرر مالی متأثر از تاخیر در بهره‌برداری از پروژه‌ها چه میزان است. به مثال عینی خود بازمی‌گردم؛ ناظر پروژه به انحاء مختلف به دنبال قرمز کردن آیت‌های صورت وضعیت است. فرایند انجام کار کند یا متوقف شده است، کل مبلغ اختلافی

بین ناظر و پیمانکار در مجموع صورت وضعیت‌های موقت پنجاهمیلیون تومان است با این وصف استفاده از دو هزار متر مربع فضای قابل بهره‌برداری با کاربری تجاری با مشکل مواجه شده است. ارزش اجاره ماهانه هر متر مربع واحد تجاری در محل وقوع این ملک حداقل ۳۰۰۰۰۰۰ تومان است، با این فرض مجموع اجاره ماهانه قابل اخذ در این مجموعه به میزان ۶۰۰۰۰۰۰۰ تومان برآورد می‌شود. ماجرا جالب شد، یک‌اختلاف ۵۰۰۰۰۰۰۰ تومانی با ایجاد تاخیر در پایان کار و آغاز بهره‌برداری از ساختمان جذب درآمد چند برابری از محل دریافت اجاره‌بها را کاملاً زمین‌گیر نموده است!

در رویه‌ها و روال‌های نظارتی منبعث از حضور نهاد بازرسی و بازرسی کل کشور کمتر به این قبیل موضوعات توجه می‌شود. در اصل به نظر می‌رسد مدیرانی که کمتر تن به امضاء، تایید، تصمیم و عمل در محدوده وظایف و اختیارات قانونی خود برای اطمینان از ایجاد بهره‌وری مناسب می‌دهند، بسیار کمتر از مدیران فعال در دایره بررسی‌های بازرسی و انشای گزارشات در معرض پیگیری و پیگرد قرار می‌گیرند.

در زندگی روزمره بارها با ترکیب واژه‌های حیف و میل مواجه شده‌ایم. حیف به مفهوم تباهی و میل با مضمون دستیابی به کار می‌رود. ساختارها

و روال‌های رایج در حوزه کنترل و بازرسی برای جلوگیری از وقوع پدیده میل به وجود آمده‌اند، در عمل کمتر ترتیبی برای جلوگیری از پدیده حیف مشاهده می‌شود. در همان مثال عینی دستگاه مربوطه در وقوع حیف چند برابر وقوع پدیده میل متضرر شده، اما تمام ساختارهای نظارتی به ابزارهای کاربردی برای جلوگیری از وقوع پدیده میل مسلح شده‌اند، با این اوصاف بسیاری از مدیران خود را مکلف و مقید به استفاده از سپرهای دفاعی در برابر جنگ افزارهای بازرسی فرض می‌کنند و بجای پذیرش مسئولیت و تسهیل شرایط برای جلوگیری از پدیده حیف به ایجاد روال‌ها، رویه‌های و اثبات اقدام در برابر وقوع پدیده میل پیش می‌روند. اهمیت ماهیت انجام کارها در حوزه بهره‌وری و ارتباط آن با انجام سریع، به موقع و حساب‌شده کارها جای خود را با دقت در صحت اجرای آداب اداری برای رعایت اصول مرتبط با شکل انجام کارها تعویض می‌کند.



در ساختار اداری کمتر از مدیران پرسیده می‌شود چرا در جریان خودداری یا تاخیر از امضای فلان نامه باعث شدی چنین خسارتی به بار آید؟ اما قطعاً از ایشان سؤال می‌شود چرا فلان نامه را امضاء کردی، چرا در زمان محدود و سریع بررسی و امضاء کردی؟ ما گزارش داریم آیا سودی از عواید مالی موجود در امضای این برگه نصیب شده است؟

شما مخاطب گرامی را به مذاقه روی اصل ماجرا تمیز مفهوم نظر این مقاله با رخدادهای سوءاستفاده از جای و جایگاه دعوت می‌کنم. با نهایت احترام ما در کشوری زندگی می‌کنیم که مسیر ارتقاء شغلی، مصونیت و عدم پاسخگویی در قبال تعهدات فعلی و قبلی از ایستگاه خودداری در پذیرش مسئولیت و از سر بازکردن می‌گذرد.

هرچه کمتر تن به امضاء دهی و هرچه کمتر امضایی داشته باشی که موبد تایید است به همان اندازه بی‌دردس‌تر و راحت‌تر در پست خود باقی می‌مانی یا با پیشنهاد ترفیع مواجه می‌شوی، این‌تقدیری است اجباری که از حضور در نظام اداری ایران نصیب بسیاری از کارمندان و مدیران ادوار مختلف شده است. این است که هرچه بیشتر می‌رویم، علی‌رغم گسترش ساختارهای نظارتی کمتر تغییری در روش اجرا و عمل ساختارهای دولتی برای تضمین بهره‌وری اقتصادی و اجتماعی از پروژه‌ها و جلوگیری از وقوع پدیده حیف مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که هرچه بیشتر کار کنی بیشتر در مظان اتهام قرار خواهی گرفت و با اشکال و اختلال در ارتقاء و حفظ جایگاه شغلی خود مواجه می‌شوی.

طی سال‌های اخیر در مواجهه با ارتقاء و تثبیت مدیرانی در جایگاه‌ها و مشاغل مختلف شگفت‌زده شده‌ایم که بزرگترین ویژگی آن‌ها در زمان اشغال جایگاه قبلی به خودداری از انجام کارها مرتبط بوده، شاید به خیال خود یا نهاد نظارتی از ریخت و پاش ۱۰۰۰ تومان در حوزه مبارزه با پدیده میل جلوگیری کرده‌اند اما به دلیل فقدان تعهد کافی در تشخیص شرایط باعث هدر رفت میلیون‌ها تومان از اموال بیت‌المال شده‌اند.

این متن همزمان با آغاز پانزدهمین قرن هجری خورشیدی با امید نویسنده به ایجاد تغییر در نگاه، دیدگاه و بازنگری روابط حاکم بر نهاد نظارتی ادارات دولتی و دستگاه‌های اجرایی وابسته به دولت و سازمان بازرسی کل کشور برای شناخت عملکرد مدیران و تمیز مدیران کارآمد از مدیران ناکارآمد به منظور درج در روزنامه دنیایکسوادادار به رشته تحریر درآمد.

سالی خوش را برای عموم هموطنان و مخاطبان محترم این‌روزنامه آرزو می‌کنم. به امید روزهای خوب در سال ۱۴۰۱...

بازگانی

«گمرک ایران» اعلام کرد:

تجارت ۴۶ میلیارد دلاری ایران با ۱۵ همسایه

ابتدای سال تا پایان بهمن ماه، ۲۱ میلیون و ۹۹۶ هزار و ۵۸۳ تن کالا به ارزش ۲۲ میلیارد و ۷۱۷ میلیون و ۲۸۷ هزار و ۸۰۶ دلار، کالای مورد نیاز کشور از طریق کشورهای همسایه تامین شد که نسبت به مدت مشابه، ۶۵ درصد در وزن و ۶۲ درصد در ارزش افزایش داشته است. بر این اساس، امارات با فروش ۱۴ میلیارد و ۵۶۶ میلیون دلار و رشد ۷۲ درصدی، ترکیه با ۴ میلیارد و ۷۰۳ میلیون دلار و رشد ۲۲ درصدی، روسیه با یک میلیارد و ۴۵۱ میلیون دلار و رشد ۵۲ درصدی، عراق با یک میلیارد و ۴۹۹ میلیون دلار و رشد ۷۸۰ درصدی و عمان با ۵۱۵ میلیون دلار و رشد ۲۷ درصدی، پنج کشور تامین کننده کالاهای مورد نیاز کشور در بین همسایگان بودند.

طبق این گزارش، عمان با ۶۳۸ میلیون دلار و رشد ۶۳ درصدی، روسیه با ۵۳۹ میلیون دلار و رشد ۲۰ درصدی، آذربایجان با ۴۹۲ میلیون دلار و رشد پنج درصدی، ترکمنستان با ۳۰۰ میلیون دلار و رشد ۱۶۰ درصدی، ارمنستان با ۲۷۹ میلیون دلار و کاهش دو درصدی، قزاقستان با ۱۶۵ میلیون دلار و رشد ۴۳ درصدی، کویت با ۱۳۹ میلیون دلار (بدون تغییر)، قطر با ۱۲۵ میلیون دلار و کاهش ۲۱ درصدی، بحرین با ۸۰۱ میلیون دلار و رشد ۱۱ درصدی و عربستان با ۴۲۹ هزار دلار در رتبه های بعدی خرید کالای ایرانی در بین همسایگان قرار دارند.

واردات از کشورهای همسایه نیز این گونه بوده که از

میلیون و ۲۵۹ هزار و ۶۳۶ تن کالا به ارزش ۲۳ میلیارد و ۵۲۸ میلیون و ۴۲۸ هزار و ۲۵۷ دلار، سهم صادرات ایران به کشورهای همسایه بوده که ۱۳ درصد در وزن و ۲۸ درصد در ارزش نسبت به مدت مشابه رشد داشته است. در خصوص میزان صادرات به کشورهای همسایه نیز عراق با هشت میلیارد و ۲۲۲ میلیون دلار و رشد ۲۰ درصدی، ترکیه با پنج میلیارد و ۶۰۷ میلیون دلار و رشد ۱۵۱ درصدی، امارات با یک میلیارد و ۹۱۲ میلیون دلار و رشد یک درصدی، افغانستان با یک میلیارد و ۶۵۵ میلیون دلار و کاهش ۲۱ درصدی و پاکستان با یک میلیارد و ۱۲۹ میلیون دلار و رشد ۲۵ درصدی، به ترتیب پنج مقصد صادرات کالاهای ایرانی به همسایگان بود.

لطیفی- سخنگوی گمرک ایران- اوضاع تجارت ایران با ۱۵ کشور همسایه در ۱۱ ماه اول امسال را تشریح کرد که نشان می‌دهد در این مدت به ۴۶.۲ میلیارد دلار رسید، در صورتی که در مدت مشابه سال قبل این میزان ۳۲.۴ میلیارد بود و نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار افزایش داشته است.

بر اساس این گزارش، از ابتدای سال تا پایان بهمن ماه، ۹۲ میلیون و ۲۵۶ هزار و ۲۱۹ تن کالا به ارزش ۴۶ میلیارد و ۲۴۵ میلیون و ۷۱۶ هزار و ۶۳۰ دلار بین ایران و ۱۵ کشور همسایه تبادل شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۱۶ میلیون و ۷۱۲ هزار تن کالا و ۱۳ میلیارد و ۷۸۳ میلیون دلار بیشتر تبادل شده که با رشد ۲۲ درصدی در وزن و ۴۲ درصدی در ارزش کالاهای تبادل شده همراه بوده است. ۷۰



خاکریز خاطرات

برای «برادر مهدی»:

خدایا مرا پاکیزه بپذیر



ابوالفضل علی حسینی

نویسنده

لحظات خوب و خوش برادر مهدی با بسیجیان لشکر ۳۱ عاشورا بود، خاکی و پاک که با همه خستگی هایش چشمانش ستاره می زد. او مرد عمل بود، تا وقتی خبر شهادت برادرش حمید را در عملیات خیبر شنید و در برابر درخواست نیروها که می خواستند پیکر او را از خط برگردانند، از پشت بیسیم فقط این جمله را شنیدند: «همه آنها برادرهای من هستند اگر توانستید همه را برگردانید حمید را هم بیاورید.» بیت المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، والفجر مقدماتی، والفجر ۱ تا والفجر ۴ و خیبر عملیات هایی بودند که تحت فرماندهی او قرار داشتند.

بدر در اواخر سال ۱۳۶۳ که لشکر در تبریز برپا شده بود و جزیره مجنون زیر پدافند آن ها قرار داشت، فرمانده دوشادوش بچه های لشکر در حال مبارزه بود. او عقیده داشت فرمانده باید خودش در صف اول باشد. آن ها که در محاصره دشمن قرار داشتند و حلقه هر لحظه تنگ تر می شد، درخواست «احمد کاظمی» را که پشت بیسیم داد می زد، از دلجه عبور کن... فاصله ای نیست... تا به خط دوم و امن برسی و نجات پیدا کنی را نپذیرفت. اون نمی خواست نیروهایش را تنها رها سازد که با اصابت تیر مستقیم دشمن به شهادت رسید.

داد که مرد لحظه های خطر و مومن واقعی است. مردی که دوست داشت جهادش را با همسرش تقسیم کند. همسری که دوشادوش آن مرد خدایی وجب به وجب جبهه های جنوب را از سر گذراند. لحظات خوب و خوش برادر مهدی با بسیجیان لشکر ۳۱ عاشورا بود، خاکی و پاک که با همه خستگی هایش چشمانش ستاره می زد. او مرد عمل بود، تا وقتی خبر شهادت برادرش حمید را در عملیات خیبر شنید و در برابر درخواست نیروها که می خواستند پیکر او را از خط برگردانند، از پشت بیسیم فقط این جمله را شنیدند: «همه آنها برادرهای من هستند اگر توانستید همه را برگردانید حمید را هم بیاورید.» بیت المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، والفجر مقدماتی، والفجر ۱ تا والفجر ۴ و خیبر عملیات هایی بودند که تحت فرماندهی او قرار داشتند. کسانی که با او زیستند بسیجیانی بودند که اندک غذای خود را با هم تقسیم و همچون امام سجاد (ع) با هدیه غذای خود به دیگران احساس لذت می کردند. صداقتی که در رفتار و حس حق جویی برادر مهدی بود، همه را جذب می کرد و هیچ چیزی را برای خودش نمی خواست و برای خدا کار می کرد. در عملیات

سیاسی علیه رژیم پهلوی و شهادتش به دست عوامل شاه توانست مسیر حق را در دل مهدی شعله ور سازد. او با تحصیل در رشته مکانیک در دانشگاه از مبارزه غافل نبود و به همراهی برادر دیگرش «حمید» در اوج مبارزات و در خفقان ستم شاهی قرار داشتند؛ با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران و آغاز جنگ تحمیلی، دغدغه های بزرگ تری داشت تا به کشور خدمت کند و به منظور برپایی پرچم اسلام هر چه در توان دارد به میدان بیاورد به سپاه پیوست و لشکر ۳۱ عاشورا را پدید آورد. برادر مهدی با عبور از کنار سمت هایی چون شهردار، دادستانی و... فرماندهی لشکر همیشه پیروز ۳۱ عاشورا را به دوش کشید و راهی جبهه های جنوب شد. او حتی با قرار دادن «کلت کمری» خود به عنوان مهریه همسر، نشان

هنوز قله های «سهند» پر برف بود، چند روزی از عید آن سال نمی گذشت که صدای گریه نوزادی در فضای خانه «پاکری ها» پیچید. میان دو آب شهری که در دل سیمینه و زرینه رود جا خوش کرده بود به پیشواز بهار ۱۳۳۳ می رفت تا ریشه های درختان آلبالو، سیب و هلو جانی دوباره بیابند. فریاد «مهدی» با رود عجین می شد و در پیچ و خم آن شتابان به سوی دریا می رفت. کودکی که مادرش را زود از دست داد، اما رگه های مذهب در سال های زندگی همراهش بود و می توانست حس عدالت جویی را در وجودش روشن نگه دارد. «علی» برادر بزرگترش با فعالیت های



دیدگاه

اندر حکایت شرح یک مفهوم:

ما و توسعه شهری...

اذعان می شود که مولفه توسعه و پیشرفت اصولاً با میزان امکانات رفاهی و فرهنگی که حکومت ها برای شهروندان خود به ارمغان می آورند، سنجیده می شود. بطور مثال این رفاه را می شود در برخی از مولفه هایی چون: صنعت، آموزش و تحصیل رایگان، حضور مستمر و نقش آفرین شهروندان در مسائل و تصمیمات سیاسی، تامین امکانات تفریحی کم هزینه و متناسب برای تمام اقشار جامعه، مسائل نظامی و... خلاصه کرد.



داود مبهوت

نویسنده و روزنامه نگار

عزیز شده و آلودگی محیط زیست را برای محل زندگی خود و همشهریان به ارمغان آورم دستاورد دیگری داشته ام؟ آیا اگر بطور مثال من فعال رسانه ای معضلی را در سطح شهر بینم و از انعکاس آن به مسئولان دریغ کنم، می توان امیدوار بود که آن مشکل در کوتاه ترین زمان رفع شود؟ اگر من مسئول، در صورت انعکاس منصفانه مشکلات جامعه توسط رسانه ها، بدون بهره مندی از سعه صدر، رنجیده خاطر شده و در پی ایجاد مانع و اختلال در روند اطلاع رسانی شفاف گروم، آیا با این عمل در حال تسریع در روند توسعه فرهنگی شهر هستیم یا اختلال در آن؟ آیا من نانوا که باید محیط پخت نان را عاری از هرگونه موارد غیر بهداشتی کنم با پشت گوش اندازی از وظیفه ام شانه خالی کنم، می توانم مدعی شوم در راستای توسعه گام برمی دارم؟ و الی ماشاءالله مثال های دیگر... پس باید گفت توسعه متوازن در سطح کلان از اجزایی تشکیل شده است که با کنار هم قرار گرفتن مناسب و دقیق آن ها می شود امیدوار بود تا پیشرفتی حاصل آید. توسعه امری دفعه تینی و حادث نیست بلکه نیازمند به برنامه بلندمدت و همکاری نخبگان فکری، ابزار و مردمی دارد. پس هر یک از ما بنا به جایگاه و وظیفه برای توسعه شهر و جامعه بکوشیم تا در کمترین زمان ممکن شاهد اعتدالی کشورمان در ابعاد گسترده تر باشیم.

دارد. در این شهر هر یک از اجزاء یعنی مسئولان، خانواده ها و مجموعاً افراد ساکن در آن تعهدی درباره رسیدگی به جامعه بر دوش دارند. تعهدی که نه می توان از انجامش شانه خالی کرد و نه آن را به تعویق افکند. در شهر و در بعد کلان جامعه مذکور، مسئولان بنابه نوع شغل مخلوله و شهروندان نیز در چارچوب اخلاق و قواعد زندگی باید نسبت به مسائل جاری اهتمام ورزند و در رفع مشکلات تلاش کنند. اما؛ مشکل توسعه شهر و رشد نامتوازن جامعه از جایی آغاز می شود که بنا به نظریه سیستمی هر یک از اجزاء این پیکره واحد در محل خود عملکرد مناسبی نداشته باشند. در این شکل خروجی سیستم بهینه نبوده و نشان از اتلاف بهره وری دارد. همین امر می تواند باعث گردد تا عدم کارکرد مناسب به دیگر قطعات سیستم نیز تسری یافته و نتیجتاً باعث شود تا کل پیکره بیمار و ناکارآمد گردد. در یک مثال می توان چنین عنوان کرد؛ اگر بطور مثال من شهروند زباله های خانه را بجای ریختن در سطل مخصوص، در کنار راه بیندازم؛ آیا جز این که باعث افزایش زحمات پاکبان های

اذعان می شود که مولفه توسعه و پیشرفت اصولاً با میزان امکانات رفاهی و فرهنگی که حکومت ها برای شهروندان خود به ارمغان می آورند، سنجیده می شود. بطور مثال این رفاه را می شود در برخی از مولفه هایی چون: صنعت، آموزش و تحصیل رایگان، حضور مستمر و نقش آفرین شهروندان در مسائل و تصمیمات سیاسی، تامین امکانات تفریحی کم هزینه و متناسب برای تمام اقشار جامعه، مسائل نظامی و... خلاصه کرد. اگر جامعه را به پیکره کامل یک انسان تشبیه کنیم؛ چنانچه هر یک از اجزاء آن در محل خود قرار نگیرند و یا به میزان کافی از رشد مناسب بهره مند نباشند، نتیجتاً ما با جسمی ناهنجار (آنومی) مواجه خواهیم بود. جسمی که حتی از جنبه زیبایی شناسانه نیز چشم نواز نخواهد شد؛ چه رسد به متوقع بودن پیشرفت و توسعه برای آن. حال اگر یک شهر را به عنوان عضوی از این پیکره (جامعه) دارای روح و حیات مدنظر قرار دهیم؛ به تبع این جسم جاندار هم نیاز به رسیدگی و حتی درمان بیماری در زمان های بحرانی

یکی از دغدغه های مهم هر شهروندی، دل نگرانی برای پیشرفت محل سکونتش است و رفع بهینه این اضطراب در بُعد کلان می تواند به توسعه ملی و ایجاد آرامش برای تمام افراد جامعه منتج شود. اما در قیاس محدودتر اذعان می گردد آبادانی یک کل، از حاصل جمع آبادانی و رفاه زیر مجموعه هایش حاصل خواهد شد. توسعه متوازن در روستاها و شهرها را می توان به نحوی رمز تعالی و دستیابی جامعه به چشم اندازی روشن در آینده برشمرد. اجتماعی که خواهان سربلندی و کسب موفقیت در رقابت با بی شمار کشور ساکن بر روی کره زمین است باید در تمامی ابعاد و زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری به شکل متعادل رو به ترقی باشد و نه فقط ابعادی خاص. به طور مثال؛ نمی شود از توسعه دولت الکترونیک در جامعه صحبت کرد؛ اما با نزدیک شدن به ایام پایانی سال شاهد بود که اینترنت ادارت و عابر بانک ها به هر دلیلی در سینه کش سربلایی نفیستان به شماره افتاده است. و یا خطوط تلفن ثابت و همراه در تداخل با یکدیگرند. یا صحبت از نظارت بر کالاهای اساسی و روزانه مردم انجام شود؛ اما قیمت یک جنس واحد در فاصله بین چند مغازه با اختلاف فاحش به مشتری فروخته گردد و... همچنین باید گفت توسعه در بین کشورها را می توان مثل یک رقابت برشمرد. رقابتی که خواهی و نخواهی وجود داشته، دارد و خواهد داشت. مسابقه ای که موفقیت در آن نتیجه اش رضایت شهروندان از دولت ها و باعث سرفرازی و فخر دولت موفق در مجامع بین المللی است.





یادداشت مدیرمسئول

با هر مشقتی که بود، تمام شد؛

ولی «ما» هنوز زنده ایم...

ارشاد اسلامی هستند، قطع کردند تا هوک آخر را زیر چانه‌ی رسانه‌ها محکم‌تر کوبیده باشند. البته مرارت‌های گد کارگاهی و مدیران‌مسئول چند رسانه را هم نباید فراموش کرد که آن‌هم، ما را از چندرغاز یارانه دولتی محروم کرد. راستی! در این ساعت‌های پایان سال، نباید از معضلات و ایرادات ششمین جشنواره رسانه‌ای ابوزر استان البرز می‌گفتیم؟ جایی که برخی به سواد، ادب و عدالت رسانه‌ای، معنای دیگر بخشیدند. البته باز هم باید بگذاریم و بگذریم!

باری؛ ضمن تبریک نیمه‌شعبان و نوروز باستانی، امیدواریم در سال آتی نیز، در راستای حفظ رسالت قلم گام برداریم...

آن، جان رسانه‌ها را هم مانند بسیاری از اصناف گرفت، هرچند دیوار ما همچنان از همه‌جا کوتاه‌تر است و این‌مرز ورشکستگی، حاصل تمام آن «نباید»هایی است که طی این سال‌ها بر سر رسانه‌ها آمد و همه‌ی آن «باید»هایی است که از این گوهر کمیاب دریغ شد.

حقیقتاً حال ما هم مانند معدود رسانه‌های «مستقل» کشور، دیگر خوش نیست. نه خبری از وام حمایت از رسانه‌ها با کارمزد ۴ درصدی شد و نه حتی صحبتی از یک کیلو سهمیه کاغذ دولتی! هرچند در آخرین ورژن این ناپایدها، آگهی‌های دولتی روزنامه‌های چاپ دیجیتال را هم که از قضا، مورد تأیید وزارت فرهنگ و

تمام این سال‌ها، مملو از تناقض‌های ترسناک! از مرز باریک مرگ و زندگی تا فاصله‌ی اندک میان امید و ناامیدی. سخت است اما خیلی‌ها دیگر در جمع ما نیستند، از «محمد اکرمیه» و «مرتضی قنبرپور» تا «محمد نوری». همان رفقای جانی که سالیان سال در کنارشان درس زندگی آموختیم، گرچه نیک می‌دانیم که عظمت هیچ‌صبری از وسعت غم از دست‌دادن یاران و عزیزان نمی‌کاهد، اما چه کنیم که در این سال‌های غریب، تنها یاد گرفتیم با تمام ناملایمات روزگار کنار بیاییم.

بگذریم... امسال ۲۶۹ شماره از روزنامه «دنیای هوادار» را منتشر کردیم! البته فراموش نمی‌کنیم که کرونا و مشتقات



خُب، این یکی هم تمام شد، با هر رنج و محنتی که بود! ۱۴۰۰ هم مانند یکی‌دو سال اخیر، تحت‌تأثیر شیوع همان ویروس شاخدار منحوس قرار گرفت، البته دقیقاً شبیه به

گزارش

چه خوب وعده می‌دهیم؛

«هاشمی» فخرعکاسی ایران است!

باید تمام این گنجینه را از این خانه به آن خانه منتقل می‌گردد، حاضر شدم و وسایلم را در اختیار شهرداری قرار دهم تا در جایی امن، برای مراجعه و بازدید مردم نگهداری شود. اما امروز برخی با بی‌احترامی با من برخورد می‌کنند. لذا می‌خواهم بدانم آیا مجموعه من برای ایران است یا برای پست و مقام عده‌ای جاه طلب؟ چرا کاری می‌کنند که مردم به همه بدبین و بی‌اعتماد شوند؟ من وقتی موضوع را پیگیری کردم به من گفتند آرشو را به هر که تحویل داده‌اید باید از خودش پس بگیرد! آیا چنین پاسخی منطقی است؟! روزی که این مجموعه را تحویل دادم، ۹۶ کیلو وزن داشتم اما امروز از فرط ناراحتی و غم و غصه وزن بدنم به ۸۰ کیلو تقلیل پیدا کرده است. من مستأجرم و در این روزهای آخر سال صاحب‌خانه جوابم کرده است. چه کسی در این شهر باید به داد من برسد و احقاق حق کند؟

اما معاون فرهنگی شهرداری منطقه ۶ اصفهان نیز اظهار می‌کند: از جزئیات این ماجرا بی‌اطلاع هستم و به طور کلی این موضوع مربوط به مدیریت قبلی است نه فعلی، اما از آنجایی که میرعبده‌الله هاشمی‌نسب از پیشکسوتان عکاسی اصفهان و ایران قابل احترام است، این چالش از جانب معاونت فرهنگی شهرداری منطقه ۶ مورد پیگیری قرار خواهد گرفت. منتها با توجه به این که روزهای آخر سال است، باید کمی دیگر صبوری پیشه کنند تا انشاءالله مسئله حل شود.

برای تکمیل این گزارش همکار خوب و تلاشگر خستگی‌ناپذیر رسانه‌ای سرکار خانم مولادوست خیرنگار خبرگزاری ایستا پیگیری بوده و همکاری‌های لازم را هم در جهت انعکاس خبری این رویداد مهم با دنیای هوادار به عمل آورده است مضاف براینکه شخصاً با مدیر پیشین مجموعه تاریخی تخت فولاد تماس داشته و پیگیری نتیجه نهایی بوده که گویا به او نیز قول داده شده است برای پیگیری این موضوع با مدیر جدید مجموعه تخت فولاد و شهردار جدید منطقه ۶ تماس گرفته خواهد شد.

استاد هاشمی‌نسب چندین مرتبه با مدیر فعلی مجموعه تاریخی تخت فولاد و شهردار فعلی منطقه ۶ اصفهان نیز تماس تلفنی داشته، اما تماس‌ها بی‌پاسخ مانده است! با این حال صاحبان قلم و اصحاب رسانه منتظر شنیدن و انتشار پاسخ این دو مسئول هستند تا تکلیف گنجینه گرانبه‌ای استاد سید عبدالله هاشمی‌نسب نمین مشخص شود.

و مدیر جدید مجموعه تخت فولاد و تیم قبلی شهرداری که این آرشو و وسایلم را از ما تحویل گرفته اند، می‌گویند که از این پس برای پیگیری ماجرا باید با شهردار و مدیر جدید مجموعه تخت فولاد تماس بگیرید.

استاد هاشمی خاطر نشان کرد: ماه گذشته طی پیگیری‌هایی که انجام دادم، مدیر فعلی مجموعه تخت فولاد از بنده دلجویی کرد. اما من درخواست برگشت این گنجینه را نمودم. چرا که ارزش معنوی این آرشو برای من مهم‌تر از یکصد میلیون است که حاضر مبلغ دریافتی را پس دهم و گنجینه زحمت هفتاد ساله‌ام را باز ستانم، اما باز پافشاری می‌کنند که مجموعه نزد شهرداری باقی بماند تا در تاریخ ۶ اسفند به فرهنگسرای انتقال داده شود. امروز ۲۵ اسفندماه ۱۴۰۰ است و من هر چه با مدیریت مجموعه تخت فولاد تماس می‌گیرم، پاسخی دریافت نمی‌کنم.

میرعبده‌الله هاشمی‌نسب با اشاره به اینکه این مجموعه حاصل تلاش ۷۰ ساله او در حوزه عکاسی ایران بوده، می‌گوید: من سال‌ها از سراسر ایران عکس تهیه کردم و این سال‌ها درب خانه‌ام به روی جوانان باز و وسایلم در اختیارشان قرار داده می‌شد. حتی چند سال پیش گزارشگر و تصویردار سیمای مرکز اصفهان، مصاحبه‌ای با من ترتیب داد و در آن مصاحبه، گزارشگر محترم پرسید، شنیده شده که شما تعداد زیادی دوربین دارید و آن‌ها را در اختیار جوانان و دانشجویان قرار می‌دهید؟ گفتم بله اشکالی دارد؟ گزارشگر در پاسخ گفت نه کار خیر شما قابل تحسین است ولی احتمال دارد دوربین‌هایی که به امانت می‌دهید برگردانده نشوند. من پاسخ دادم مهم نیست، این دانشجویان تفاوتی با فرزندانم ندارند.

استاد هاشمی عکاس پیشکسوت اصفهان که همواره ثابت نموده حس وطن‌پرستی وجودش را در برگرفته و به گفته خودش به همین خاطر آرشو و وسایلم را برای نگهداری در موزه به شهرداری تحویل داده است، می‌گوید: روزی دخترم که در خارج از کشور زندگی می‌کند، به من گفت: بابا بیایید اینجا خانه، حقوق و بیمه در اختیار می‌گذارند. در پاسخ گفتم که آیا ارزش دارد وطنم را رها کنم، بخاطر این‌ها؟ من باتوجه به اینکه خانه به دوش و مستأجرم و هر ساله

ساله مرا در فضای مجازی ملاحظه کرده بودند به دیدار آمدند و درخواست نمودند، بخشی از آرشو عکس‌ها را تحویل آن‌ها دهم تا اسکن کنند و سپس در قالب کتاب منتشر نمایند. اما اسفند سال ۱۳۹۸ که من هنوز برای تحویل این آرشو به دانشگاه اقدام نکرده بودم، شهردار سابق اصفهان به همراه شهردار سابق منطقه ۶ اصفهان و مدیر وقت مجموعه تاریخی تخت فولاد به همراه مسئول روابط عمومی شهرداری منطقه ۶ که در اصل واسطه این دیدار بود، به منزل آمدند و درخواست کردند تمام آرشو عکس و وسایلم عکاسی‌ام، شامل ۲۵ لنز نیکون، ۲۵ عدد دوربین‌های مختلف آنالوگ، ۶۲ آلبوم عکس قدیمی همچنین ۴۱ هزار و ۸۳۰ حلقه فیلم آنالوگ، ۴ میلیون عکس‌های مختلف ورزشی، سه‌دستگاه پخش اسلاید، سه عدد دوربین فیلم‌برداری، سه عدد پرده پخش اسلاید، ۱۲۰ نوع فیلتر عکاسی و سه عدد سه‌پایه دوربین را به شهرداری تحویل دهم تا در موزه‌ای اختصاصی که قرار است به نام خود من ساخته شود، منتقل و نگهداری کنند و به غیر از دانشجویان، مردم و گردشگران نیز از این مجموعه دیدن نمایند. حتی روزی از طرف مجموعه تخت فولاد بنده را دعوت کردند و به جایی بردند که کارگرانی در حال کار بودند. آنجا به من گفتند که قرار است در این مکان، موزه‌ای که دیوار شیشه‌ای دارد به‌نام شما ساخته شود. من نیز باور کردم و به این امید که آرشویم در موزه‌ای اختصاصی نگهداری خواهد شد، پیشنه‌ها را پذیرفتم و مبلغ یکصد میلیون تومان که خیلی کمتر از ارزش واقعی این آرشو بود را از شهرداری دریافت نمودم.

استاد هاشمی‌نسب روایت می‌کند، سه‌سال از این ماجرا گذشته، اما متأسفانه این مدت هیچ خبری از موزه اختصاصی نبوده و شهرداری پیشنهاد انتقال این گنجینه را به موزه عکس اصفهان که قرار بود آرشو تمام عکاسان در آن واقع شود را اعلام کرد. استاد می‌افزاید: من با این تصمیم جداً مخالفت کردم و در این مدت مرتب پیگیری بودم و تماس می‌گرفتم، اما پاسخی به من نمی‌دادند. تا اینکه مدیریت شهری اصفهان و مدیر مجموعه تاریخی تخت فولاد نیز تغییر کرد و اینک شهردار جدید منطقه ۶ اصفهان

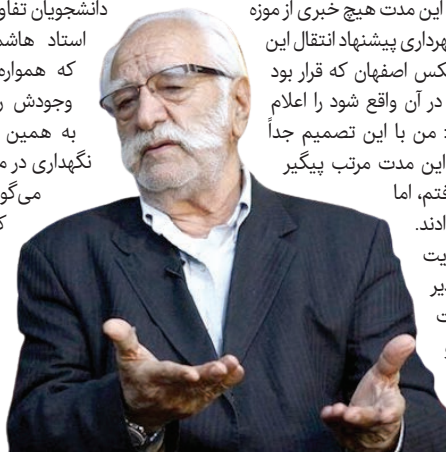
اصغر قلندری (نویسنده و روزنامه‌نگار)

از تکرار مکررات بیزاریم به‌ویژه در نوشتن از بی‌توجهی مسئولان به تلاشگران خستگی‌ناپذیر عرصه رسانه، که در رسانه‌های مختلف؛ خبرگزاری‌ها و صداوسیما و روزنامه‌ها قلم‌فرسایی می‌کنند و با وجود مشکلات عدیده، تلاش و مجاهدت می‌نمایند، اما چه می‌شود کرد که برحسب وظیفه ناچاریم بار دیگر از بدعهدی مقامات بنویسیم که این بار، قرعه فال بنام شهرداری منطقه ۶، مجموعه تاریخی تخت فولاد و اداره میراث فرهنگی اصفهان خورده است! تا بنویسیم که پای معضلی به صورت «همیشگی» وجود دارد و اینبار در حق پیر عکاسان اصفهانی رخنمایی می‌کند که سالیان مدیدی است خانه بدوش و مستأجر می‌باشند! دگر بار باید قلم خود را به این معضل بلغزانیم تا ضعف‌های فاحش میراث‌داران فرهنگی استان اصفهان بیشتر آشکار شود. سید عبدالله هاشمی‌نسب نمین، پیشکسوت و کهنسال‌ترین عکاس کلانشهر اصفهان، هنرمندی که تمام عمر جوانی خود را عاشقانه در امور فرهنگی ورزشی و هنری صرف کرده و بی‌ادعا سعی در ترویج و آموزش هنر عکاسی بطور رایگان به جوانان علاقه مند به فراگیری این هنر ارزشمند در عرصه پرتلاطم دارد که به داشتن گنجینه‌ای گران‌بها از عکس‌های ۷۰ سال گذشته و دوربین‌های بسیار قدیمی عکاسی شهرت یافته است، سفره دل خود را این گونه باز کرد:

شهرداری منطقه ۶ اصفهان و مجموعه تاریخی تخت فولاد اصفهان از حدود سه‌سال پیش آرشو، گنجینه و مجموعه شخصی من، شامل چند میلیون عکس قدیمی و وسایلم عکاسی را با وعده نگهداری در موزه‌ای که قرار بود بنام بنده ساخته شود، تحویل گرفته‌اند، اما نه خبری از راه‌اندازی چنین موزه‌ای است و نه حاضرند این مجموعه گران‌بها را به من بازگردانند!

عکاس پیشکسوت اصفهان با بیان اینکه در سال‌های اخیر، در اغلب اوقات خانه‌اش پاتوق عکاسان جوان بوده که هرگاه به وسایلم عکاسی نیاز داشتند، به آرشو من پناه می‌آوردند می‌گوید: دانشجویان نیز در ابتدای هر ترم تحصیلی برای در اختیار داشتن این وسایلم من به مراجعه می‌کردند، وسایلم را امانت می‌گرفتند و پس از رفع نیاز عودت می‌دادند.

استاد هاشمی در ادامه تصریح کرد: روزی تعدادی از اساتید دانشگاه هنر که تمام عکس‌ها، صفحه و آرشو ۷۰





ذره بین

اقتصاد ایران در ۱۴۰۱:

چشم انداز امیدوارکننده و آغاز یک سیر تحولی

سارا نصراتی
نویسنده و مترجم

بنظر می‌رسد رویکرد دولت در مدیریت نقدینگی در مسیر درستی قرار دارد و تداوم و عملیاتی کردن این رویکرد می‌تواند نوید کنترل جریان نقدینگی و کاهش تورم بر اساس برنامه‌های اعلامی را بدهد. اما بحث مهم این روزها در مورد وضعیت اقتصاد کشور در سال آینده، مساله مذاکرات وین است و اینکه اقتصاد کشور در سال آینده بیش از هر عاملی به توافق وابسته خواهد شد. اگر توافق شود، وضعیت اقتصاد قطعاً در سال آینده بهتر خواهد شد چون رشد اقتصادی بیشتر می‌شود، تورم کاهش یافته و وضعیت تجارت خارجی هم قاعدتاً بهتر خواهد شد.

اما سوال اساسی که مطرح می‌شود این است که آیا این وضعیت خوبی که سال آینده اتفاق می‌افتد، پایدار خواهد بود یا نه؟ جواب این سوال باید از چند جنبه اقداماتی صورت بگیرد. اول اینکه حمایت‌های قیمتی از مصرف‌کننده که سیاستگذار به‌عنوان حمایت از مردم از آن یاد می‌کند، به کلی کنار گذاشته شود و بجای این تعیین قیمت‌ها، حمایت‌های یارانه‌ای جایگزین شود، یعنی سرکوب قیمت‌ها که باعث انحراف سرمایه‌گذاری، تورم و مصیبت‌های زیادی می‌شود، از بین برود.

دوم اینکه حمایت از تولیدکننده به حمایت از تولید یا بهتر بگوییم حمایت از محیط کسب و کار تبدیل شود. اگر در کنار توافق و رفع تحریم، این دو سیاست هم اجرا شود، ممکن است بهبود وضعیتی که می‌تواند در سال آینده رخ دهد، ادامه‌دار هم باشد و به تدریج اقتصاد کشور را از بی‌رشدی و تورم خارج کند. همچنین حجم فروش نفت و فرآورده‌های نفتی نسبت به قبل بهتر شده و از طرفی قیمت نفت هم بالا رفته است. بنابراین نرخ فروش نفتی که در بودجه لحاظ شده، خیلی پایین‌تر از این قیمت جدید است و به همین علت است که می‌توان گفت وضع بودجه سال آینده معقول است و اقتصاد بهتر خواهد شد.

سخن آخر اینکه دولت سیزدهم تا بکیه بر شایسته‌سالاری، ضمن استفاده از نیروهای جوان، با اخلاق، همچنین افراد با تجربه فارغ از گرایش‌های سیاسی را باید سرلوحه کار خود قرار دهد و با ثبات بخشی به قوانین و مقررات، پرهیز از تصمیم‌گیری‌های عجولانه و جناحی و منفعت‌طلبانه، با برنامه‌محوری و... امید است بتواند کشور را به سمت بهبود هرچه بیشتر شرایط، رهنمود کند.

برنامه است که مهمترین آنها مربوط به قانون «پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان» است. وقتی این موارد را در کنار مالیات بر خانه‌های خالی، خانه‌ها و املاک گران قیمت، خودروهای لوکس، مالیات بر سکه و طلا و غیره قرار می‌دهیم چشم‌انداز سیاست‌های مالیاتی دولت که همگی در راستای افزایش منابع درآمدی پایدار، کاهش وابستگی بودجه به نفت و جلوگیری از کسری قرار دارد، کاملاً روشن می‌شود. حتی اگر درآمدهای نفتی به واسطه رفع تحریم‌ها افزایش قابل توجهی پیدا کند، روندی که برای اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح ساختار بودجه و کاهش وابستگی به نفت شروع شده متوقف نخواهد شد، زیرا این ضرورتی است که صاحبان نظران و متخصصان اقتصادی نیز بر آن تأکید دارند و دیر یا زود باید عملی شود.

با این حال اگر مسئله کسری بودجه و تراز عملیاتی، رشد نقدینگی و به طور کلی عوامل داخلی کنترل و کاهش تورم حل نشود افزایش درآمدهای دلاری و سرکوب قیمت ارز تنها تورم را به تعویق خواهد انداخت. از این رو تداوم رویکرد کنونی دولت در اصلاح ساختار بودجه امری ضروری است. اگر کسری بودجه در کار نباشد پولی کردن آن نیز رخ نخواهد داد. یعنی دولت مجبور نخواهد شد که برای جبران کم

و کاستی‌های پول چاپ کند که افزایش نقدینگی و رشد لجام گسیخته تورم را موجب شود. با این حال خودداری از چاپ پول تنها یکی از اقدامات مثبت جهت کنترل نقدینگی و تورم است. دولت باید در زمینه اصلاح و نظارت بر نظام بانکی کشور نیز گام‌هایی اساسی بردارد. بانک‌ها مهمترین عامل رشد نقدینگی هستند. آنها چندین برابر سپرده‌های مشتریان‌شان، پول خلق می‌کنند. به همین خاطر است که دولت سیزدهم نوک پیکان سیاستگذاری در حوزه نقدینگی و تولید را به سمت بانک‌ها هدف گرفته است. بدین ترتیب، دولت از یک طرف برای جبران کسری بودجه از چاپ پول خودداری کرده و از طرف دیگر اصلاح و نظارت بر نظام بانکی را در دستور کار قرار داده است.

معیشت مردم و بهبود اوضاع در نظر گرفته است. زیرا به عقیده کارشناسان اقتصادی، بودجه ۱۴۰۱ به نحوی تنظیم شده که با ایجاد درآمدهای پایدار، حمایت از تولید و اشتغال و کنترل تورم، با تامین کالاهای اساسی مورد نیاز، از آسیب بیشتر به معیشت مردم جلوگیری شود. در حقیقت دولت خواسته بودجه ۱۴۰۱ کمترین نقص را داشته و کسری نداشته باشد تا بتواند تورم را مهار کند و رشد اقتصادی قابل قبولی در آن دیده شود. پس می‌توان گفت که سیاست‌گذاری اصلی دولت برای سال آینده این است که قیمت‌ها و تورم کاهش یابد.

سه نکته اساسی وجود دارد که در عین پیوندهای تنگاتنگ با یکدیگر، هرکدام از ابعاد، زوایا و ویژگی‌های مخصوص به خود برخوردارند. کسری بودجه، تورم و رشد اقتصادی به شدت به یکدیگر وابسته هستند و حل یکی بدون آن دو مورد دیگر مشکل خواهد بود. از این رو سؤالی که پیش می‌آید این است که دولت چگونه در بودجه سال آینده این اهداف مهم را محقق خواهد کرد؟ مهمترین موضوع در کسری بودجه جبران آن از راه‌های غیر تورمی است، اما مهمتر از آن این است که بودجه را بدون کسری، یا با حداقل کسری ببینند.

دولت به خوبی از این قضیه آگاه است و ارائه لایحه بودجه بدون کسری به معنای داشتن برنامه برای افزایش درآمدها و کاهش هزینه‌ها است. بیشترین درآمد غیر نفتی دولت از مالیات است و بیشترین هزینه هم مربوط به حقوق کارمندان، بنابراین ساماندهی نظام پرداخت حقوق یکی از رویکردهای اصلی کاهش هزینه‌ها، از یک طرف و جلوگیری از خلق پول و افزایش تورم از طرف دیگر است. اما، کاهش هزینه تنها راه‌حل دولت برای جلوگیری از کسری بودجه نیست. روی درآمدهای مالیاتی، به ویژه از طریق جلوگیری از فرار مالیاتی و ساماندهی معافیت‌های مالیاتی حساب خاصی باز شده است. پروژه هوشمندسازی نظام مالیاتی شامل چندین قانون و



یادداشت

«نوروز» از ایرانیان باستان تا به امروز:

برچهره گل نسیم نوروز خوش است...

در قالب کلمات، جلوه‌هایی تابناک از هنر این دغدغه‌مندان و حافظان ارزش‌ها و آداب و رسوم ماندگار ایران را متجلی می‌کند. به مناسبت چند بیت از اشعار بهاربه شاعران نامدار ذکر می‌شود:

زکوی یاری می‌آید نسیم باد نوروزی

از این باد از مدد خواهی چراغ دل بر افروزی

به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفتد

به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی (حافظ)

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است

در صحن چمن روی دل افروز خوش است

از دی که گذشت هرچه گویی خوش نیست

خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است (خیام)

از همه سوی جهان جلوه او می‌بینیم

جلوه اوست جهان کز همه سو می‌بینیم

چون به نوروز کند پیرهن از سبزه و گل

آن نگارین همه رنگ و همه بو می‌بینیم (شهریار)

گاهشمار ایرانی چندین ستاره شناس از جمله: خیام گرد هم آمدند. این گروه جایگاه نوروز را در ابتدای فصل بهار و هنگام وارد شدن آفتاب به برج حمل اثبات کردند. از دوران باستان تاکنون در ایام نوروز آداب و رسوم گوناگونی در نقاط مختلف ایران و تعدادی از کشورهای همجوار برگزار می‌شود که در این بین شعر نقش به سزایی در به تصویر کشیدن زیبایی‌های بهار و آغاز سال نو داشته و سروده‌هایی بنام بهاربه از خود به یادگار گذاشته‌اند، از جمله شاعران بهاربه‌سرایی که

با چهره‌دستی تمام، لطایف بهار و ظرایف نوروز را به زیور شعر آراسته‌اند می‌توان به منوچهری دامغانی، عنصری بلخی، سعدی، حافظ، ملک الشعراء بهار و... اشاره کرد. بهاربه‌هایی که با ایجاد حس شادی و تداعی طراوت نوروز



بر آن می‌شود که همگان در چنین روزی آئین خاصی تدارک ببینند در آثار الباقیه ابوریحان بیرونی نیز آمده است که برگزاری جشن و شادی در فرهنگ ایران جایگاه والایی داشته بطوریکه هر روز نام خاصی در گاهشمار باستانی ایرانیان دارا بوده و در همه ماه‌ها، روزی که همان‌ها همان ماه می‌شد آن روز را به جشن می‌پرداختند. بنابراین جشن‌های متنوعی همچون، مهرگان، آبانگان، تیرگان، مردادگان و... برپا می‌گردید. در کنار جشن‌های موصوف، جشن‌هایی نیز در ایام خاصی چون، یلدا، چهارشنبه‌سوری و نوروز برگزار می‌شد که مهمترین آن‌ها نوروز بود.

پس از اسلام و در دوره سلجوقیان به دستور جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی برای بهسازی و تدقیق

داود مبهوت (نویسنده و روزنامه‌نگار)

اول فروردین‌ماه برای ایرانیان آغازگر فصل بهار است. فصلی که شروعش مقارن با برگزاری جشن و سرور برای ایرانیان باستان بود و از گذشته‌های دور تاکنون تقریباً با وسواسی بسیار در ابتدای هر سال پاس داشته می‌شود. نوروزی که در برخی منابع، تاریخچه پیدایش آن را تا بیش از ۵ قرن قبل از میلاد نیز تخمین می‌زنند. ایامی که آغاز آن با اعتدال بهاری همزمان است.

با رجوع به بعضی منابع، برگزاری آئین نوروز را به زمان حضور کوروش در بابل نسبت می‌دهند که وی در آن زمان دستور به پاکسازی محیط‌زیست، ترفیع نظامیان، عفو مجرمان و... کرد. طبق برخی افسانه‌ها نیز نوروز به سه‌هزار سال قبل باز می‌گردد. زمانی که جمشید پادشاه اساطیری ایرانی پس از بیرون آمدن از کاخ خود در جنوب دریاچه ارومیه که امروزه منطقه حسنلو نام دارد، تحت تاثیر آفتاب درخشان و با طراوت بهاری قرار می‌گیرد و آن روز نوروز نامیده می‌شود. جمشید



پیش بازی

قسمت ۹۸ از سریال شهر آورد تهران؛

بوی عیدی، بوی دربی!



ورزشگاه آزادی برای دهمین بار در اسفندماه میزبان شهرآورد پایتخت خواهد بود. داریی نود و هشتم در حالی برگزار می‌شود که این بازی تا حدودی سرنوشت قهرمان بیست و یکمین دوره رقابت‌های لیگ برتر را مشخص خواهد کرد.



علیرضا آذربزین
خبرنگار

نود و هشتمین تقابل سرخابی‌ها با حال و هوای متفاوتی برگزار خواهد شد، حس و حال عید و جنگ تمام‌عیار برای عیدی شیرین به هواداران! این بار ماجرا فرق می‌کند، پس از دو سال تماشای جدال سرخابی‌ها از صفحه‌های تلویزیون، حالا تعدادی تماشاگر می‌توانند بازم این جنگ را از نزدیک‌ترین جای ممکن تماشا کنند، جنگ برای قهرمانی، جنگ برای تقدیم عیدی شیرین و با ارزش برای هواداران و جنگ برای نشان دادن لیاقت‌ها، همه‌ی این دلایل دست به دست هم داده‌اند تا قسمت نود و هشتم سریال داریی جذاب‌تر و متفاوت‌تر از همیشه باشد.

در نه دیدار قبلی که دو تیم در اسفند ماه مقابل هم با میدان نهاده‌اند، آن‌ها پنج بار، سرخ‌ها دو بار و دو بار هم جدال این دو تیم با نتیجه تساوی به پایان رسیده است. آمار نشان از برتری آبی پوشان در شهرآوردهایی که با بوی عید برگزار شده دارد و آخرین برد سرخ پوشان در دربی اسفند ماه به بیست و دو سال پیش بر می‌گردد.

این شهرآورد مهمان هم دارد، صالح حمدانی، عزیزیک آمانوف، رافائل سیلوا، احمد گوهری، تمیروف، هنانوف و صفروف، مهمانانی هستند که برای اولین بار بازی در دربی را تجربه خواهند کرد و به دنبال گذراندن ره صد ساله در یک غروب جذاب خواهند بود تا خود را در قلب هواداران جای دهند. دو تیم محکوم به برد هستند، آبی‌ها برای حفظ اختلاف امتیاز و برداشتن یک گام بزرگ دیگر برای قهرمانی و سرخ‌ها برای کاهش اختلاف امتیاز و سرخ کردن آسمان آبی لیگ برتر، نتیجه تساوی هم برای قرمزها باخت محسوب می‌شود، اما برای آبی‌ها تساوی هم می‌تواند نتیجه‌ی خوبی باشد، گرچه تیمی که سودای قهرمانی در سر دارد فقط به فکر برد خواهد بود تا تساوی، پس همین دلایل، نوید یک پنجشنبه جذاب و هیجان‌انگیز را به هواداران فوتبال می‌دهد، روزی که چشمان میلیون‌ها بیننده به ساق بیست و دو بازیکن بازیکن است، کوچکترین اشتباه از بازیکن آن را در چاله خواهد انداخت و کوچکترین درخشش او را غرق در خوشبختی خواهد کرد.

قسمت ۹۸ سریال دربی، پنجشنبه ساعت ۱۷:۳۰، ورزشگاه بزرگ آزادی!



نوروزتان سروز



یادداشت

دربی پایتخت و بلیت‌های ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومانی؛

اندرحکایت «عرضه و تقاضا» در فوتبال انحصاری ایران

را خالی بگذاریم تا «تقاضا» اتفاق نیفتد؟ چنین چیزی شدنی نیست همانطور که برای خرید محصولات بی کیفیت ایران خودرو و سایپا بعد از گرانی هم مردم سر و دست می‌شکستند.

در تمام دنیا چیزی به اسم «رقابت» وجود دارد که جلوی انحصار را می‌گیرد. رقابت در تولید و ارائه محصولات یا خدمات، باعث می‌شود که مصرف‌کننده با حق انتخابی که دارد جلوی هرگونه بی‌کیفیتی را بگیرد. همه ما می‌دانیم که



استادیوم آزادی تنها بخاطر بزرگ بودنش بهترین استادیوم ایران است. وگرنه در باب ارائه خدمات به تماشاگران، هیچ فرقی با سایر استادیوم‌های کشور ندارد. کیفیت افتتاح صندلی‌ها حتی با وجود ترمیم، نبود امکانات مناسب رفاهی برای خورد و خوراک و... عواملی هستند که داد معترضان به افزایش قیمت را درآورده است اما آیا حتی با وجود نرخ دوپست هزارتومانی بلیت‌ها، این مشکلات رفع خواهند شد؟ قطعاً خیر.



محمدحسین سیفی
نویسنده

در اقتصاد برای قیمت‌گذاری اجناس و یا خدمات، یک اصلی وجود دارد تحت عنوان اصل «عرضه و تقاضا» بدین معنا که هرچه تقاضای بیشتری برای یک چیز وجود داشته باشد، خواهناخواه کفه عرضه رو به کاهش می‌رود در نتیجه قیمت آن چیز افزایش پیدا می‌کند و یا برعکس، هرچه تقاضای چیزی کم باشد عرضه بیشتری اتفاق می‌افتد و منجر به کاهش قیمت می‌شود.

ایران هم از این قاعده مستثنی نیست. اینکه امروز می‌خوانیم قیمت بلیت‌های استادیوم آزادی که تا چندسال پیش حوالی سی‌هزار تومان خریداری می‌شد به یکباره تا دوپست هزارتومان رشد کرده است، قطعاً قیمت‌گذار خیالش از بابت کفه «تقاضا» راحت بوده است. او به خوبی می‌دانسته که بهرحال بسیاری از عاشقان فوتبال حاضرند برای تماشای بازی‌های تیم محبوبشان چنین مبلغی را پرداخت کنند چه برسد به آنکه پای دیدار دربی پایتخت وسط باشد که گل برسند تمام دیدارهای لیگ برتر است. پس ایراد کار کجاست که همه نسبت به این قیمت‌ها معترض هستند اما کاری از پیش نمی‌رود؟ آیا باید همگی در یک حرکت اعتراضی استادیوم

درحاشیه

همه چیز به سود «استقلال»؛ اسفند؛ ماه خوش‌یمن برای استقلال در دربی

استقلال در پایان فصل با چهار امتیاز اختلاف توانست قهرمانی آخرین مسابقات باشگاهی کشور، پیش از آغاز لیگ برتر فوتبال را به دست بیاورد.

استقلال ۳ - پرسپولیس ۲: پیروزی دراماتیک آبی‌ها در اسفند سال ۸۳، روزی به‌یادماندنی در تاریخ دربی‌ها رقم زد. استقلال با نسل درخشانی که امیر قلعه‌نویی در سال ۸۲ به فوتبال ایران معرفی کرد، در لیگ چهارم هم مدعی جدی قهرمانی به شمار می‌رفت و پرسپولیس با رایزن زوبیل، روزهای خوبی را نمی‌گذراند. با وجود گلزنی رضا عنایتی در اواسط نیمه دوم، گلزنی سهراب انتظاری و شیت رضایی باعث شد سرخ‌ها در آستانه پیروزی قرار بگیرند. گل زیبای محمود فکری و در ادامه ضربه سر پیروز قربانی اما پیروزی را برای استقلال به ارمغان آورد. دست سرخابی‌ها در پایان این فصل از قهرمانی و حتی نایب قهرمانی لیگ برتر و جام حذفی کوتاه ماند.

استقلال صفر - پرسپولیس صفر: سردترین دربی دهه ۸۰ به دیدار برگشت فصل ۸۵-۸۴ مربوط می‌شد. دو تیم در این مسابقه خطر چندانی روی دروازه یکدیگر ایجاد نکردند و تویی از خط دروازه‌ها عبور نکرد. استقلال در این فصل، ثمره تغییر نسل سه فصل گذشته خود را دید و به حسرت قهرمان نشدن خود در لیگ برتر پایان داد. پرسپولیس هم فصل را با علی پروین آغاز کرد و با آری هان به پایان برد، اما در نیمه پایینی جدول قرار گرفت.

استقلال یک - پرسپولیس صفر: آخرین پیروزی استقلال در دربی‌ها به آخرین دربی اسفند برمی‌گشت. آبی‌ها پس از برگزینی علیرضا منصوریان، با وینفرد شرفه روزهای آرمانی خود بازگشتند و پس از غلبه بر الهلال در لیگ قهرمانان آسیا، مدافع عنوان قهرمانی لیگ برتر را شکست دادند. گل وربا غفوری در پایان نیمه نخست به منزله دومین برد استقلال در دومین سال قهرمانی پرسپولیس بود. آبی‌پوشان در فصل ۹۷-۹۶ به قهرمانی جام حذفی دست یافتند و تیم رژیایی برانکو ایوانکوویچ برای دومین بار، عنوان قهرمانی لیگ برتر را تصاحب کرد.

آبی‌ها در شرایطی به میدان آمدند که در چهار بازی گذشته خود در این جام، ۱۵ گل به ثمر رسانده بودند و یکی از مدعیان اصلی قهرمانی به شمار می‌رفتند. بازی با تساوی خاتمه یافت و در ضیافت پنالٹی‌ها، پرسپولیس با نتیجه ۴ بر ۲ پیروز شد. سرخپوشان با سرمربیگری علی پروین، در نیمه‌نهایی مغلوب شاهین اهواز شدند تا نماینده شگفتی‌ساز خوزستان با پیروزی در فینال، جام قهرمانی را بالای سر ببرد.

استقلال ۲ - پرسپولیس صفر: پرسپولیس در ۱۵ اسفند سال ۱۳۷۰ و در دیدار رفت لیگ آزادگان، برنده تقابل اسطوره‌های دو باشگاه یعنی علی پروین و منصور پورحیدری بود. استقلال در این مسابقه به لطف گل‌های صمد مرفاوی و صادق هرمزبازر بر شاگردان پروین غلبه کرد، اما این برد را می‌توان تنها موفقیت استقلال در فصل ۷۱-۱۳۷۰ دانست. قهرمانی لیگ آزادگان در این فصل به پاس رسید و پرسپولیس توانست جام قهرمانی جام حذفی را بالای سر ببرد.

استقلال صفر - پرسپولیس ۲: هشتمین روز از اسفند ۷۸، اولین و آخرین پیروزی سرخپوشان در جریان ۹۰ دقیقه دربی اسفند ماه رقم خورد. مهدی هاشمی‌نوبخت که یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های دربی‌ها به شمار می‌رود، در این مسابقه پیراهن پرسپولیس را بر تن می‌کرد و گل نخست تیمش را به ثمر رساند. در ادامه بازی ستاره همدانی اخراج شد و پایان رفت هم اختلاف را دو برابر کرد تا کمک شایانی به قهرمانی پرسپولیس در لیگ آزادگان کرده باشد. استقلال در پایان این فصل به مقام قهرمانی جام حذفی دست یافت.

استقلال یک - پرسپولیس صفر: ورزشگاه آزادی در ۵ اسفند ۱۳۷۹، میزبان یکی از حساس‌ترین دربی‌های تاریخ بود. استقلال و پرسپولیس در رقابت‌های لیگ آزادگان، شانه‌به‌شانه یکدیگر جلو می‌رفتند و دربی نقشی تعیین‌کننده در تعیین قهرمان داشت. ستاره این بازی، علیرضا اکبرپوربوند که با دریافت پاس دیدنی سیروس دین‌محمدی، دروازه سرخپوشان را گشود.

ورزشی

یادداشت

«دنیای» این روزای من،

«هوآدار» تو می مانم...

خیلی وقتها به دوستان نویسنده تاکید می‌کردم که مطالب را کوتاه بنویسند و سراغ متن‌های طولانی نروند تا زیبایی بصری صفحه‌های روزنامه حفظ شود، اما حالا که می‌خواهم دل‌نوشته‌ای برای یک فصل مهم از زندگی‌ام که در کنار نام بزرگ «دنیای هوآدار» شکل گرفته بنویسم، به تردید افتادم که چگونه به حرف خود پایبند باشم، درحالی که صدها هزار تجربه کوچک و بزرگ را در این سال‌ها کنار این مجموعه داشتم؟ گفتنی‌ها که بسیار زیاد است از خاطره‌های شیرین و به یادماندنی تا تجربه‌های بسیار که هر کدام برابم درسی بود، اما ترجیح می‌دهم به دل‌نوشته‌ای کوتاه اکتفا کنم تا به تاکیدهای گذشته خود هم پایبند باشم.

حدوداً ۵ سال پیش، دقیق‌تر بخواهم بگویم؛ فروردین سال ۱۳۹۶، تاریخ اولین دیدار من با عوامل این مجموعه بود، آن زمان هنوز روزنامه‌ای به اسم «دنیای هوآدار» به صورت رسمی شکل نگرفته بود، روزنامه‌ای که قبل از شکل‌گیری اولین شماره آن تا به الان که شماره ۹۸۳ آن هم چاپ شد، می‌توانم بگویم روزی و شماره‌ای نبوده که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در کنار همراهم این مجموعه نباشم.

تک تک این ۹۸۳ شماره برای من یادآور تجربه‌های بسیار زیادی است، به عبارت دیگر، بخش مهمی از زندگی من از ۵ سال گذشته تا به امروز، با یک نام عجین شده، نامی که با هر بار با شنیدن آن تمام ساعت‌ها، روزها، ماه‌ها و سال‌های دور و نزدیک و البته شیرین را برام تداعی می‌کند؛ بله! «دنیای هوآدار». امروز که آخرین شماره سال ۱۴۰۰ چاپ می‌شود، به جرأت می‌توانم اذعان کنم که روزنامه‌ای ما در سطح استان البرز در این سال‌ها، همیشه یک پرچمدار بوده و گمان می‌کنم این موضوع، برای همه‌ی دوستانی که کم و بیش در استان البرز با فضای رسانه‌ای آشنایی دارند، به اثبات رسیده باشد.

امروز آخرین شماره‌ای است که من به‌عنوان صفحه‌آرا، تیم قدرتمند دنیای هوآدار را همراهی می‌کنم و ضمن سپاس فراوان از زحمات تمام عوامل مجموعه بویژه مدیر مسئول که همانند یک پدر، زحمات فراوانی را برای من کشیده‌اند، از صمیم قلبم در سال جدید برای ایشان، سردبیر، دبیر تحریریه و تک‌تک اعضای هیأت تحریریه، آرزوی سلامتی و تندرستی آرزوی منم و مطمئن هستم که همیشه پرچم «دنیای هوآدار» را بالا نگه خواهند داشت.

بدرود «دنیای» این روزها، ماه‌ها و سال‌های من همیشه در قلبم «هوآدار» تو خواهم بود...

توپ و تور

پس از «شهداب یزد»:

دومین سهمیه والیبال جام

باشگاه‌های آسیا به پیکان رسید

تیم‌های شهداب یزد و پیکان تهران نماینده‌های والیبال ایران در جام باشگاه‌های آسیا هستند. با توجه به ترافیک رویدادهای بین‌المللی والیبال ایران در سال آینده، فدراسیون والیبال تصمیم گرفت که رقابت‌های والیبال قهرمانی باشگاه‌های مردان آسیا ۲۰۲۲ را در سالن والیبال مجموعه ورزشی آزادی تهران برگزار کند و تهران را به عنوان شهر میزبان این رقابت‌ها به کنفدراسیون والیبال آسیا معرفی کرد. بر این اساس فدراسیون والیبال ایران با ارسال نامه‌ای به کنفدراسیون والیبال آسیا تیم مقاومت شهداب یزد را به عنوان قهرمان لیگ برتر والیبال ایران و تیم پیکان تهران را به عنوان میزبان این رقابت‌ها معرفی کرد.



امیررضا بیات
طراح

نگاه

حالی که خوش نیست:

روزهای داغ ورزش ایران در سال جدید

فدراسیون‌ها از مسئولین کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش حکایت از این واقعیت دارد که آنان برای ادامه کار و اقتناع جامعه ورزش کار ساده‌ای پیش‌رو نخواهند داشت. این مسائل می‌تواند تشدید شود به شرطی که ورزش کشورمان نتواند در بازی‌های المپیک قاره‌ای نتیجه لازم را کسب کند. اگر رییس فدراسیون کشتی وعده خود مبنی بر اعزام تیم سوم کشتی آزاد و فرنگی به بازی‌های آسیایی جدی باشد و ما نتوانیم در این دوره از مسابقات نتایج گذشته را تکرار کنیم در آن صورت مسیر ادامه راه سجادی و صالحی امیری دشوار خواهد بود. دبیر در اعتراض به کمبود بودجه فدراسیون کشتی و برخی نقدهای دیگر به این مجموعه، تلاش کرد اکثریت اعضای مجمع را با خود هم‌چنان منتقد وزیر ورزش و رییس کمیته ملی المپیک است و از هر فرصتی استفاده خواهد کرد تا اقتدار دو مسئول ورزش را تضعیف کند. دبیر در راستای رسیدن به اهداف مورد نظر یاران پنهان و آشکاری هم دارد که در صورت لزوم خودنمایی خواهند کرد.

حاصل کلام اینکه حال و روز ورزش در مجموع خوش نیست. این ناخوشی از یک طرف و ناخرسندی قاطبه پیشکسوتان و جامعه ورزش از سیاست‌های جاری از طرف دیگر، حاکی از آن است که عملکرد مسئولین حاضر قابل قبول نبوده و چنانچه اوضاع بر همین روال و روند پیش برود نمی‌توان امید به پیشرفت ورزش در همه بخش‌ها از جمله زیر ساخت‌ها، ورزش همگانی، قهرمانی و تحولات مثبت دیگر داشت. در سال ۱۴۰۱ و پس از آزمون ورزش ما در بازی‌های آسیایی هانگ‌زو چین، بسیاری از این پرسش‌ها پاسخ در خور خواهند یافت.

همین امر چشم‌اندازی از روزهای پرتلاطم و حساس را به تصویر می‌کشد که روشن نیست مطابق پیش‌بینی بازیگران اصلی و بر وفق مراد آنان پیش برود. در سوی دیگر و از همان ابتدا، حضور کوتاه مدت حمید سجادی در راس وزارت ورزش و جوانان زیر ذره‌بین موافقین و مخالفین قرار داشته است. چیدمان کارگزاران و نیروهای تأثیرگذار بیرون از ورزش در مسئولیت‌های مهم، حضور محمد پولادگر به‌عنوان معاون ورزشی علی‌رغم شکست در انتخابات فدراسیون تکواندو و بی‌عملی‌هایی که شخص وزیر در اجرا و عمل نشان داده احتمال استیضاح وی را بیش از



پیش می‌کند. به سخن دیگر انتظار می‌رفت سجادی که از معدود روسای متخصص دستگاه ورزش محسوب می‌شود عملکردی به مراتب بهتر از آنچه که موجود است از خود نشان دهد. او با انتخاب افراد غیرمتخصص، سستی در عمل و نداشتن اقتدار کافی حتی بسیاری از دوستان خود را آزرده خاطر کرده ضمن اینکه رفته‌رفته جامعه ورزش به این نتیجه می‌رسد که از وی روی برگرداند.

چالش‌های ذکر شده در کنار انتقاد برخی روسای



محمدرضا کاظمی
نویسنده و روزنامه نگار

ورزش ایران در سال ۱۴۰۱ روزها و ماه‌های داغی را پیش‌رو خواهد داشت. بی‌گمان این حرارت و گرمایش با تحولات آینده و نزدیک شدن به فصل گرما فزونی معناداری می‌گیرد. هیاهوی برگزاری بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ از یک سو، انتخابات کمیته ملی المپیک از سوی دیگر و تحولات احتمالی در راس وزارت ورزش، حساسیت‌های دو نهاد یاد شده را دوچندان خواهد کرد.

نشست اخیر مجمع عمومی کمیته ملی المپیک با اکثریت آرا حکم به تعویق انتخابات این نهاد تا پایان بازی‌های آسیایی داد. مسایقاتی که احتمالاً تا اواخر تابستان به طول خواهد انجامید و شکی نیست که تا آن زمان صالحی امیری همچنان رییس باقی خواهد ماند. مدیری که متعلق به کابینه دولت قبلی بود و به زعم عده‌ای، دولت جدید تلاش خواهد کرد تا به هر طریق ممکن با کنار زدن وی، فرد جدیدی را که با مجموعه حاضر همسو باشد، جایگزین او کند. البته صالحی امیری هنوز از اینکه بتواند بار دیگر کرسی ریاست را در دست بگیرد ناامید نیست. خصوصاً اینکه وی تصور می‌کند اگر بتواند چراغ سبز مسئولین بالاتر را برای ورود به انتخابات بگیرد کار دشواری برای کسب اکثریت آرای مجمع نخواهد داشت. با تمام این احوال تردید نمی‌توان داشت که در انتخابات یادشده نامزدهای قدرتمند دیگری پای در میدان خواهند گذاشت.

ورزش ایران در سال ۱۴۰۱ روزها و ماه‌های داغی را پیش‌رو خواهد داشت، بی‌گمان این حرارت و گرمایش با تحولات آینده و نزدیک شدن به فصل گرما فزونی معناداری می‌گیرد. هیاهوی برگزاری بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ از یک سو، انتخابات کمیته ملی المپیک از سوی دیگر و تحولات احتمالی در راس وزارت ورزش، حساسیت‌های دو نهاد یاد شده را دوچندان خواهد کرد.

درحاشیه

آشنایی با داور داری ۹۸:

در ابهام خداحافظی!



سیدعلی که باتجربه‌ترین داور فعال حاضر در لیگ برتر به شمار می‌رود، در ۲۱۴ قضاوت خود در لیگ برتر، ۵۰۴ کارت زرد و ۵۹ کارت قرمز به بازیکنان داده است و جزو داورانی است که کارت‌های زیادی از جیبش خارج می‌شود. بسیاری از کارشناسان و فعالان داور معتقدند سپرده شدن قضاوت داری ۹۸ به سیدعلی برای این است که او زودتر از ۴۵ سالگی خداحافظی کند اما این داور بارها اعلام کرده که تصمیمش این است که تا زمانی که بتواند در لیگ برتر سوت بزند.

داری نود و هشت در حالی از ساعت ۱۷:۳۰ روز پنج‌شنبه، ۲۶ اسفند با سوت مهدی سیدعلی در ورزشگاه آزادی آغاز خواهد شد که شرایط جدولی دو تیم کار را حساس کرده و پیروزی در داری برای هر کدام از دو تیم، قدم بزرگی به سوی قهرمانی است و تیم برنده شانس بالایی برای فتح لیگ بیست و یکم دارد.

حساسیت این دیدار زمانی دوچندان می‌شود که انتخاب قاضی این میدان حواشی زیادی داشت و سرانجام قرار شد سیدعلی باتجربه پس از سال‌ها قضاوت در لیگ برتر، برای اولین بار این دیدار را سوت بزند. این داور ۴۳ ساله که جانشین پیام حیدری برای سوت زدن در داری ۹۸ شد، قرار بود هفته گذشته دیدار پرسپولیس و نفت مسجدسلیمان را در چارچوب هفته بیست و دوم سوت بزند که با قهر او، کار به علی صفایی واگذار شد.

ادعای «سرمربی گل گهر»:

مدارک جدید گل گهر برای بازیکن گابنی



باشگاه گل گهر سیرجان بعد از استفاده از «اریک بانایما» بازیکن گابنی که شرایط حضور در لیگ برتر ایران را نداشت، در سه مسابقه استقلال، پیکان و سپاهان بازنده شد. گل گهر بعد از سه بر صفر شدن نتیجه بازی‌هایش مقابل این سه تیم به کمیته استیناف فدراسیون فوتبال شکایت کرد. کمیته استیناف هم در بخش نتیجه مسابقات، رای کمیته انضباطی را تأیید کرد. به این ترتیب گل گهر از سوی ارکان قضایی فدراسیون فوتبال ایران متخلف شناخته و باختمش در سه مسابقه قطعی شد.

این باشگاه سیرجانی بازم پیگیر پرونده است و قصد دارد به هر شکل ممکن، امتیازات از دست رفته را بازگرداند. بر این اساس گل گهر درخواست اعاده دادرسی کرده و در انتظار رای است. امیر قلعه

یادداشت

این حس و حال خوب؛

من، «هوادار» تو خواهم ماند...

در این مجموعه، به عنوان «دبیر تحریریه» روزنامه معرفی شدم تا به یکی از آرزوهایم برسیم... گذشت و گذشت تا همه در کنار هم به امروزمان رسیدیم... شماره ۹۸۳ و پایان ۱۴۰۰.

حقیقتاً این‌ها را نگفتم تا سپر ترقی یک‌سال و نیم کاری‌ام را بازگو کنم، اینها را خواستم بگویم تا برای خودم یادآوری کرده باشم که هیچوقت از خاطر نمی‌رود از چه نقطه‌ای به اینجایی که هستم رسیدم.

اما در کنار تمام تلاش‌هایی کردم، با پشتوانه دعا‌های خیر پدر و مادرم، همیشه یک «مرد» هم در کنارم بوده، مردی که به من کمک کرد و فرصت داد تا عضوی از مجموعه دنیای هوادار باشم و در کاری که عاشق آن هستم، مشق شاگردی کنم. مردی که ما «عمو مهرداد» صداش می‌کنیم...

یک‌دوست، همراه با پدرم در مراسم مذکور شرکت کردم و پس از صرف شام هنگام خروج از درب سالن، آقای «مهرداد تیموری» مدیرمسئول روزنامه دنیای هوادار را دیدم، درست یادم نیست که چه دیالوگی بین‌مان برقرار شد، اما خوب می‌دانم که همه‌چیز برای من، از آن همان مصاحبت چند دقیقه‌ای آغاز شد.

پس از سه‌ماه دوری از کار رسانه‌ای، کم‌کم به مجموعه دنیای هوادار اضافه شدم، ابتدا روزی یک‌مطلب برای روزنامه می‌نوشتیم و امورات پایگاه‌های خبری «دیوان‌نیوز» و «رستاخیزخبر» را انجام می‌دادم، پس از گذشت دو ماه، با اضافه شدن نامم به عنوان «دبیر سرویس ورزشی» در شناسنامه روزنامه، یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی‌ام رقم خورد، دبیری نیابید و زمانی نگذشت تا دقیقاً در تیرماه ۱۴۰۰ پس از یک‌سال افتخار حضور



محمد رضا ولی زاده
دبیر تحریریه

تیرماه ۱۳۹۹ بود، مراسم تکریم از «کریم باوی» -پیشکسوت فوتبال ایران- راستش نمی‌دانم اصلاً چه اتفاقی افتاد، اما حالا پس از گذشت یک‌سال و اندی از آن مجلس، خوب که فکر می‌کنم، انگار همه‌چیز را خدا برام کنار هم چیده بود. البته که آن روزها احوال خوب امروز را نداشتیم، از خبرنگاری لذت و از نوشتن خسته شده بودم، یادش بخیر، با دعوت

دیدگاه

سیر صعود و سقوط؛

اسکیت: از رونق تا رکود!

اسکیت یک‌رشته تفریحی ورزشی است که اگر خوب هدایت می‌شد می‌توانست بزرگترین فدراسیون به لحاظ نیروهای انسانی و تعداد ورزشکاران باشد اما انگار کار در ورزش ما برعکس هست. زمانی که اسکیت یک‌انجمن بود و در دل فدراسیون



سیدرضا فیض آبادی
نویسنده و روزنامه نگار

همگانی، شور و شوق بیشتری بر این رشته حاکم بود چه اینکه درهای انجمن به روی همه کارشناسان و همه علاقمندان باز بود. همین کاوه صدقی که اخیراً از سمت خود در اسکیت استعفاء داده، در اواسط دهه ۸۰ در بحبوحه توسعه و گسترش اسکیت همگانی استعدادش کشف و شکوفا شد و اسکیت‌بازانی که بعداً توانستند مدال‌های آسیایی را بگیرند مثل مارال راسخی، سارا فرشتیان و... اکنون همین‌ها جزو کارشناسان و مربیان خوب اسکیت هستند که در آن دهه به ورزش ایران معرفی شدند.

سیدمجتبی سمردی که معلم ورزش بود و همزمان با عشق و علاقه‌ای که داشت انجمن اسکیت را با دست خالی و تنها با عشق و علاقه اداره می‌کرد توانست در همان سال‌ها رییس کنفدراسیون اسکیت آسیا را به ایران بیاورد و با نفوذ و علاقه‌ای که داشت چند تیم اسکیت نمایشی درست کرده بود تا در مراسم افتتاحیه جشنواره‌ها و المپیادها و مسابقات متعدد نمایش بدهند و اسکیت را اینگونه به جامعه معرفی کرد.

فراموش نمی‌کنم که با کمک یک اسپانسر تعداد زیادی کفش اسکیت بین همه کارکنان سازمان تربیت‌بدنی وقت توزیع شد و در تمامی پارک‌ها و فضاهای عمومی اسکیت به عنوان یک ورزش مفرح بین خانواده‌ها گسترش یافت.

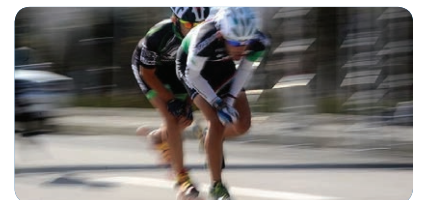
اما از سال ۸۵ که فدراسیون اسکیت شکل گرفت و مستقل شد امید به توسعه قهرمانی آن بیشتر داشتیم و هرچند یک‌دوره‌ای کوتاه رشد خوبی داشت ولی رفته‌رفته کارشناسان و اهالی فن کنار رفتند یا کنار گذاشته شدند تا امروز که آقای هنرجو ریاست فدراسیون را برعهده گرفته و تقریباً اسکیت در حالت کما بسر می‌برد.

اگرچه هنرجو خود در استان تهران فعالیت اسکیتی داشته ولی زمانی موفق خواهد بود که از بزرگانی مثل سیدمجتبی سمردی که واقعا از دلسوزان و بانیان اسکیت در ایران است و شاگردانی که او در دهه ۸۰ معرفی کرد و اکنون هر کدام برای خودشان یک وزنه قابل اتکا محسوب می‌شوند را با حفظشان و جایگاه ایشان دعوت به همکاری نماید چرا که تجارب گران‌بای آنها راهگشای اسکیت خواهد بود.

نمی‌دانیم الان چند نفر اسکیت‌باز در ایران داریم ولی در پارک‌ها که مملو از اسکیت‌باز بود الان خبری از آن شور و اشتیاق نیست و در بعد قهرمانی هم عملاً ما در آسیا محلی از اعراب نداریم.

متأسفانه برخی افراد کاسب کار که برای کاسبی به اسکیت آمدند و ویزا خرید و فروش می‌کردند یا واردات کفش اسکیت را انحصاری داشتند چنان ضربه‌ای به این رشته زدند که رئیس فعلی فدراسیون بعید است به این زودی‌ها و به تنهایی کاری از پیش ببرد و زمانی اسکیت رونق می‌گیرد که بار دیگر شاهد حضور نوجوانان و جوانان در همه فضاهای عمومی و پارک‌ها باشیم.

آقای هنرجو! لطفاً پیشکسوتان و دلسوزان اسکیت را با حفظشان و جایگاه‌شان دعوت به همکاری بفرمایید اگر خواهان پیشرفت و خروج از این رکود هستید.



اما در کنار تمام تلاش‌هایی کردم، با پشتوانه دعا‌های خیر پدر و مادرم، همیشه یک «مرد» هم در کنارم بوده، مردی که به من کمک کرد و فرصت داد تا عضوی از مجموعه دنیای هوادار باشم و در کاری که عاشق آن هستم، مشق شاگردی کنم. مردی که ما «عمو مهرداد» صداش می‌کنیم...

تیم ملی

بازی با کره خیلی حساس‌تر از آنچه فکرش را می‌کنیم؛

احتمال شوک بزرگ به فوتبال ملی ایران!

قرار بگیرد، احتمالاً تیم‌هایی نظیر شیلی، مراکش، لهستان، کانادا و حتی مصر -که شانس صعود به جام جهانی را دارند- بالاتر از ایران قرار خواهند گرفت تا به این ترتیب حتی احتمال یک شوک بزرگ به ایران در آستانه قرعه کشی وجود داشته باشد؛ اینکه ایران نه تنها به سید دوم راه پیدا نکند بلکه حتی به سید چهارم برود تا به این ترتیب احتمال یک قرعه دشوار مطرح شود.

با این حساب شاید کسب یک نتیجه تساوی در بازی خارج از خانه برابر کره جنوبی و پیروزی خانگی برابر لبنان که صدرنشین ایران در آسیا و حفظ جایگاه در سید سوم را تضمین می‌کند، نتیجه‌ای عقلانی برای شاگردان درآگان اسکوچیچ باشد تا اینکه رویاهای پیچیده صعود به سید دوم قرعه کشی جام جهانی در دستور کار قرار بگیرد.

گفتنی است؛ تیم ملی فوتبال کشورمان روز چهارم فروردین به مصاف کره جنوبی می‌رود. طبق برنامه بازیکنان داخلی فوتبال کشورمان از روز شنبه در هتل المپیک جمع شده و بعد از تست کرونا در محل اقامت خود قرنطینه خواهند شد. قرار است شاگردان اسکوچیچ بلافاصله بعد از پاسخ تست‌های کرونا ساعت ۲۱:۳۰ از طریق CIP فرودگاه امام راهی سئول شوند.

بازیکنان لژیونر فوتبال کشورمان هم به صورت مستقیم از کشورهای اروپایی راهی کره جنوبی می‌شوند و پس از پشت سر گذاشتن تست‌های کرونا به تمرین تیم ملی اضافه خواهند شد. ملی پوشان فوتبال ایران بعد از بازی با سئول مستقیماً عازم مشهد مقدس شده تا برای بازی روز نهم مقابل لبنان حاضر شوند. در سفر تیم ملی به کره میرشاد ماجدی سرپرست فدراسیون فوتبال حضور نخواهد داشت اما بهرام رضاییان به عنوان سرپرست کاروان با تیم ملی عازم سئول خواهد شد.

ایران بازی با کره جنوبی را واگذار کند، با توجه به فرمول رنکینگ فیفا که برد و باخت در مقدماتی جام جهانی بیشترین میزان اهمیت را پس از بازی‌های خود جام جهانی دارد، ممکن است جایگاه خود را به کره جنوبی یا ژاپن واگذار کند.

با شکست ایران مقابل کره جنوبی، شاگردان بنتو باتوجه به اینکه در یک مسابقه اثرگذار (مقدماتی جام جهانی) توانسته‌اند، حریفی را شکست دهند که امتیاز و جایگاه بهتری نسبت به آنها داشته، بنابراین امتیاز بسیار خوبی دریافت می‌کنند و در عین حال



ایران هیچ امتیازی نخواهد گرفت. در بازی هفته آخر نیز حتی اگر ایران موفق به شکست لبنان شود، باتوجه به اینکه کره جنوبی، امارات را به عنوان تیمی با رنکینگ و امتیاز بهتر نسبت به حریف ایران (لبنان) شکست می‌دهد، امتیاز بیشتری کسب خواهد کرد که این دو نتیجه (برد کره مقابل ایران و پیروزی هر دو تیم در بازی پایانی) احتمالاً کره جنوبی را بالاتر از ایران قرار می‌دهد. در صورتی که ایران، پایین‌تر از کره و احتمالاً ژاپن

شکست مقابل کره جنوبی می‌تواند رویاهای ایران در جام جهانی را از بین ببرد. در فاصله کم‌تر از یک ماه تا قرعه کشی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر گمانه زنی‌ها پیرامون سید بندی این رقابت‌ها شدت یافته است و طرفداران تیم ملی امیدوارند که ایران برای نخستین بار در سید دوم قرار بگیرد تا احتمالاً با یک قرعه مطلوب روبرو شود و امکان صعود به دور بعد را داشته باشد.

قرعه کشی جام جهانی ۱۲ اسفند در دوحه برگزار خواهد شد و ۳۲ تیم حاضر در جام جهانی در چهار سید بر اساس رتبه فیفا قرار می‌گیرند تا گروه بندی این رقابت‌ها مشخص شود. تیم ملی ایران هم اکنون با ۱۵۷۲ امتیاز در جایگاه بیست‌ویکم رتبه فیفا قرار دارد و با اختلاف ۲۳.۳ امتیازی نسبت به ژاپن و ۵۰.۴ امتیازی نسبت به کره جنوبی برترین تیم آسیاست.

با توجه به این‌که از بین ایتالیا و پرتغال یک تیم از دور رقابت‌ها حذف خواهد شد تیم ملی ایران فرصت این را دارد تا با کسب دو پیروزی در دیدار مقابل لبنان و کره جنوبی شانس خود را برای ورود به جمع ۱۵ تیم برتر حاضر در جام جهانی از نظر رتبه فیفا اضافه کند.

اکنون از بین تیم‌هایی که بالاتر از ایران قرار دارند، صعود مکزیکی، اروگوئه، کلمبیا، سنگال و - قطعی نشده و تیم ملی باید امیدوار باشد که این چند تیم نتوانند راه صعود به جام جهانی را پیدا کنند تا ایران با کسب دو پیروزی و بهبود جایگاه خود این عملیات شگفت‌انگیز را رقم بزند. اما ماجرا روی دیگری هم دارد.

حالت ایده آل برای ایران پیروزی مقابل کره جنوبی و لبنان است که برتری بر لبنان در ورزشگاه امام رضا شاید محتمل به نظر بیاید اما شکست شاگردان پائولو بنتو در کره جنوبی کار چندان آسانی نیست. حال اگر



دنیای هوادار ضمن محکوم کردن حمله وحشیانه سیمایی رژیم بعثی در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶، یاد و خاطره شهیدای «حلی» را گرامی می‌دارد



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ دبیر تحریریه: محمدرضا ولی زاده ■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، محمدحسین سیفی، فرشید گله داری و رضا توابعی
 ■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری ■ سازمان آگهی ها: سارا گلزاری ■ طراحی و صفحه آرایی: امیررضا بیات ■ دبیر سرویس عکس: میلاد فیروزان ■ چاپ: کهن
 ■ نشانی: کرج، چهارراه طالقانی به سمت میدان شهید، ساختمان حکیم، طبقه ۸، واحد ۸۲ کد پستی: ۳۱۳۴۸۹۶۳۸۴ تلفن: ۳۲۲۱۹۱۴۷ نمابر: ۳۲۴۰۰۰۲۳

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

۲۵ اسفند

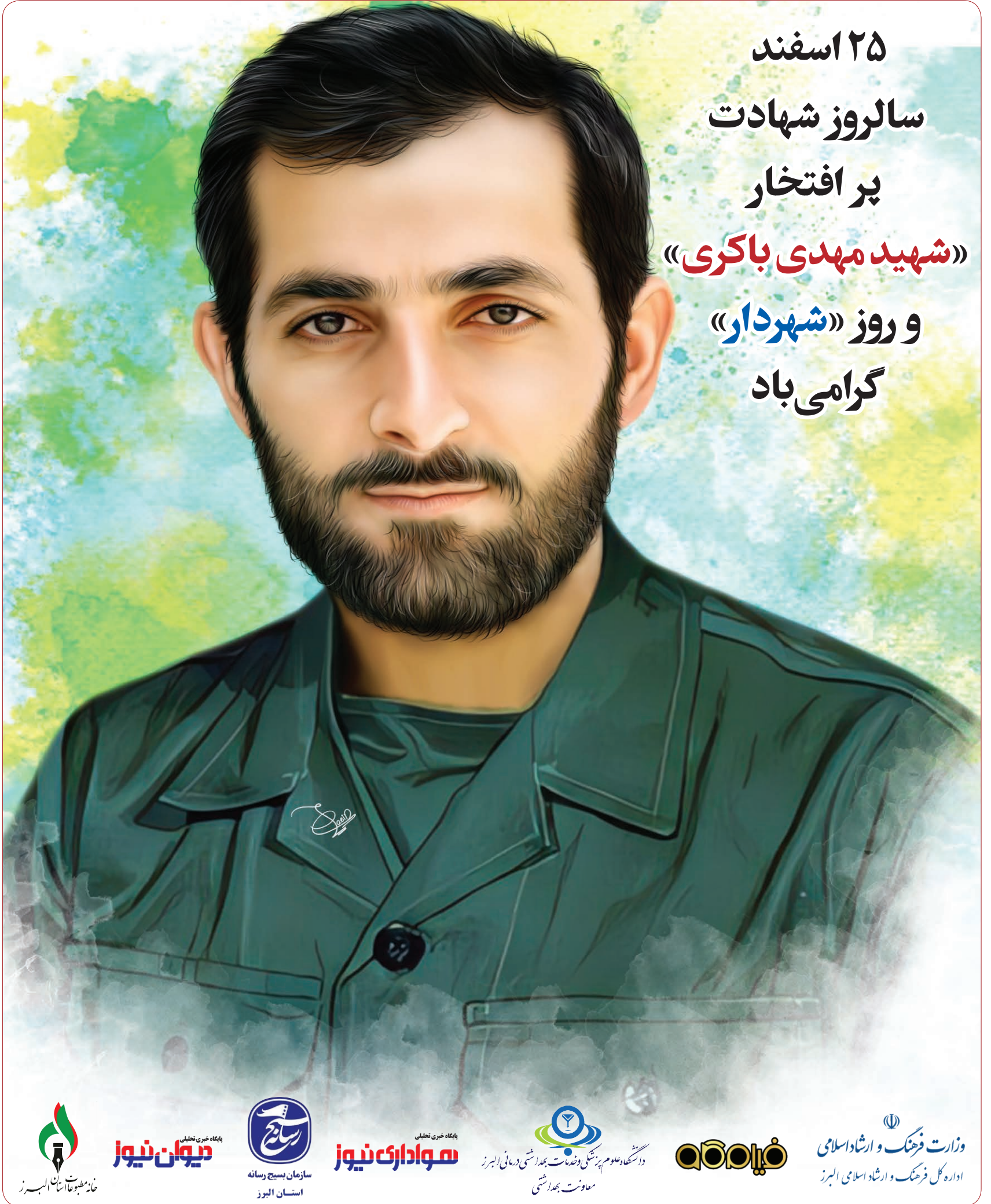
سالروز شهادت

پرافتخار

«شهید مهدی باکری»

و روز «شهردار»

گرامی باد



فاز مطبوعات استان البرز

پایگاه خبری تحلیلی
دیوان نیوز



سازمان بسیج رسانه
استان البرز

پایگاه خبری تحلیلی
هواداری نیوز



فراادار

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز